

معدوم می کنم! پس هستم!

۲۵ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۱:۱۹

رضاشاه تکیه کلام «معدوم» داشت. همین را به من راجع به صوله الدوله قشقایی گفت... به داور هم گفته بود، این گوش هایت را باز کن والا معدومت می کنم.

«رضا قلدر» از جمله اسامی است که به اولین شاه پهلوی داده شده است. از قضا همین روحیه وی بوده که مورد خوشامد انگلیسی ها بود. روحیه ای که شاید به درد عرصه جنگ و نبرد بخورد، اما یقیناً به کار سیاست نمی آید. چرا که در سیاست آنچه کمتر محل اعتبار دارد، حذف فیزیکی است. کاری که البته به شدت از دست رضاخان بر می آمد. او جدای از آن که دشمنان خود را نابود کرد، بسیاری از دوستان همراه خود را نیز از میدان به در کرد؛ بگذریم از آنکه دوستان نزدیک او همین کار را در برابر مخالفان خود انجام داده بودند. رویه معطوف به حذف رضاشاه، آنچنان بود که زمانی که انگلیسی ها او را از ایران حذف کردند؛ کسی نبود تا یاریش کند. همین رویه معطوف به حذف بود که باعث شده بود تا رضاخان - آنگونه که تقی زاده می نویسد - از کلمه «معدوم» زیاد استفاده کند:

«رضاشاه تکیه کلام «معدوم» داشت. همین را به من راجع به صوله الدوله قشقایی گفت. آن وقت املاک روسای ایلات را به نفع دولت می گرفتند. سردار عشایر وکیلی داشت [به نام] امیر مفخم بختیاری. او در وزارت مالیه پیش من می آمد و می رفت. یک دفعه هم خودش آمد. او آدم خیلی تند بود. آمد پهلوی من نشست و گفت جان مرا در بیاورند من املاکم را نمی دهم. گفتم آقای سردار راهی ندارد. می ترسم آخر اسباب زحمت بشوند. بعد از اینکه خودش و پسرش را گرفتند، زن او را که خیلی عاقل است آمد پیش من. گفت خواهش دارم دستور بفرمایید این املاک را از من بگیرند. من می خواهم پسر من نجات پیدا کند. صوله الدوله از حبس کاغذی نوشت به من که خیلی خوب، حاضریم که همه املاکم را بدهم. [نامه را] چون می دانستم رضاشاه خیلی کینه [دارد] و راست فرستادم دفتر مخصوص. عصر که به هیات وزرا آمد به من گفت آن آدمی که به شما کاغذ نوشته دلداری و تسلا بدهید. نصیحت کنید ملکش را بدهد. اگرچه این ها اصلاح شدنی نیستند. این ها باید «معدوم» بشوند! ما خیال می کردیم کشته شد. ولی امیر مفخم آمد پیش من گفت او با تیغه خود تراش زهار خود را تراشید و مسموم و تلف شد. پسرش ناصر قشقایی هم گفت پدر مرا نکشتند با تیغ خود را تراشید و مسموم شد. به داور هم گفته بود، این گوش هایت را باز کن والا معدومت می کنم.»

۱- سیدحسین تقی زاده، زندگی طوفانی، به کوشش: عزیزالله علیزاده، تهران، انتشارات فرودس، ۱۳۷۹، ص ۲۵۶-۲۵۷

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۳۰۲۳/هستم-کنم-میدوم/۲۳۰۲۳>